

شناخت، رفتار، یادگیری

نقش پیش‌بینی‌کننده کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان در رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی

رحیم بدری گرگری^{۱*}، شهرزاد نعمتی^۱، شهرام واحدی^۱، عرفان جاسم احمد^۲

۱. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز

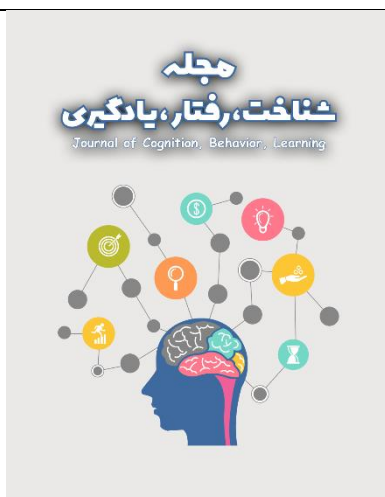
* ایمیل نویسنده مسئول: badri_rahim@yahoo.com

تاریخ چاپ: ۱۴۰۶/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۲/۰۲



شیوه استناددهی: بدری گرگری، رحیم، نعمتی، شهرزاد، واحدی، شهرام، و جاسم احمد، عرفان. (۱۴۰۶). نقش پیش‌بینی‌کننده کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان در رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی. *شناخت، رفتار، یادگیری*، ۴(۱)، ۲۱-۱.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان در رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی، با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی انجام شد. این پژوهش مقطعی، توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه استان صلاح‌الدین عراق در سال تحصیلی ۲۰۲۵-۲۰۲۶ بود. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۰۰ دانش‌آموز از مدارس شهرهای تکریت و سامرا انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه کارکرد خانواده، پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده، مقیاس تعارض والد-نوجوان، مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و پرسشنامه رفتارهای پرخطر گردآوری شدند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شدند. نتایج مدل ساختاری نشان داد کارکرد نامطلوب خانواده ($\beta = 0.343$)، جهت‌گیری همناوایی ($\beta = 0.267$) و رفتار تعارض‌آمیز والد-نوجوان ($\beta = 0.332$) اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر داشتند؛ در حالی که جهت‌گیری گفت‌ووشنود ($\beta = -0.256$) و نیازهای بنیادین روان‌شناختی ($\beta = -0.498$) اثر منفی و معناداری بر این رفتارها نشان دادند. همچنین، کارکرد نامطلوب خانواده ($\beta = -0.394$)، جهت‌گیری همناوایی ($\beta = -0.286$) و تعارض والد-نوجوان ($\beta = -0.397$) نیازهای بنیادین روان‌شناختی را به‌طور منفی پیش‌بینی کردند، در حالی که جهت‌گیری گفت‌ووشنود اثر مثبتی بر این نیازها داشت ($\beta = 0.374$). اثرات غیرمستقیم متغیرهای خانوادگی بر رفتارهای پرخطر نیز از طریق نیازهای بنیادین روان‌شناختی تأیید شد. مدل پژوهش ۵۰٫۳ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر و ۳۳٫۱ درصد از واریانس نیازهای بنیادین روان‌شناختی را تبیین کرد. بهبود کارکرد خانواده، تقویت گفت‌ووشنود، کاهش همناوایی اجباری و تعارض والد-نوجوان، و حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط می‌تواند احتمال رفتارهای پرخطر را در نوجوانان عراقی کاهش دهد.

کلیدواژه‌گان: کارکرد خانواده؛ الگوهای ارتباطی خانواده؛ تعارض والد-نوجوان؛ نیازهای بنیادین روان‌شناختی؛ رفتارهای پرخطر؛ نوجوانان عراقی.

Cognition, Behavior, Learning

The Predictive Role of Family Functioning, Family Communication Patterns, and Parent–Adolescent Conflict in Risky Behaviors among Iraqi Adolescents: The Mediating Role of Basic Psychological Needs

Rahim Badri Gargari^{1*}, Shahrooz Nemati¹, Shahram Vahedi¹, Erfan jasem Ahmd²

1. Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2. PhD Student in Educational Psychology, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

*Corresponding Author's Email: badri_rahim@yahoo.com

Submit Date: 2026-04-22

Revise Date: 2026-07-20

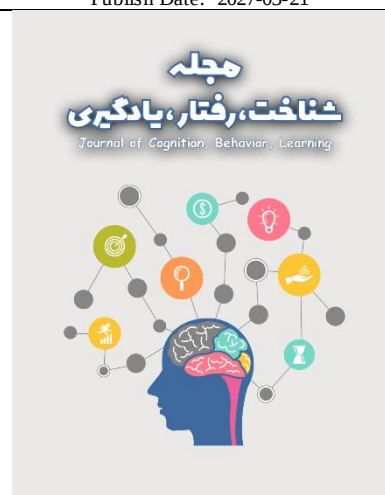
Accept Date: 2026-08-08

Publish Date: 2027-03-21

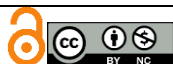
Abstract

This study investigated the predictive roles of family functioning, family communication patterns, and parent–adolescent conflict in Iraqi adolescents' risky behaviors, with particular emphasis on the mediating role of basic psychological needs. This cross-sectional study employed a descriptive-correlational design based on structural equation modeling. The statistical population comprised all senior high school students in Salah al-Din Governorate, Iraq, during the 2025–2026 academic year. Using multistage cluster random sampling, 300 students were selected from schools in Tikrit and Samarra. Data were collected using standardized measures of family functioning, family communication patterns, parent–adolescent conflict, basic psychological needs, and risky behaviors. Pearson correlation coefficients and structural equation modeling were applied to analyze the data using SPSS and AMOS. Structural modeling indicated that poorer family functioning ($\beta=0.343$), conformity orientation ($\beta=0.267$), and parent–adolescent conflict ($\beta=0.332$) had significant positive effects on risky behaviors. In contrast, conversation orientation ($\beta=-0.256$) and satisfaction of basic psychological needs ($\beta=-0.498$) had significant negative effects on risky behaviors. Poorer family functioning ($\beta=-0.394$), conformity orientation ($\beta=-0.286$), and parent–adolescent conflict ($\beta=-0.397$) negatively predicted basic psychological needs, whereas conversation orientation positively predicted their satisfaction ($\beta=0.374$). The indirect effects of the family-related predictors on risky behaviors through basic psychological needs were also supported. The proposed model explained 50.3% of the variance in risky behaviors and 33.1% of the variance in basic psychological needs. Family functioning, communication patterns, and parent–adolescent conflict are important predictors of risky behaviors among Iraqi adolescents. Interventions that strengthen open family conversation, reduce coercive conformity and unresolved conflict, and support adolescents' needs for autonomy, competence, and relatedness may contribute to preventing or reducing risky behaviors in this population.

Keywords: Family Functioning; Family Communication Patterns; Parent–Adolescent Conflict; Basic Psychological Needs; Risky Behaviors; Iraqi Adolescents



How to cite: Badri Gargari, R., Nemati, Sh., Vahedi, Sh., jasem Ahmd, E. (2027). The Predictive Role of Family Functioning, Family Communication Patterns, and Parent–Adolescent Conflict in Risky Behaviors among Iraqi Adolescents: The Mediating Role of Basic Psychological Needs. *Cognition, Behavior, Learning*, 4(1), 1-21.



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

نوجوانی یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین دوره‌های تحول انسان است که طی آن، تغییرات سریع زیستی، شناختی، هیجانی و اجتماعی با گسترش استقلال‌طلبی، هویت‌یابی و بازتعریف روابط نوجوان با والدین و همسالان همراه می‌شود. در این دوره، نوجوان به‌تدریج از وابستگی دوران کودکی فاصله می‌گیرد، در تصمیم‌گیری‌های شخصی نقش فعال‌تری می‌یابد و در معرض موقعیت‌های اجتماعی متنوع‌تری قرار می‌گیرد. این تحولات، در کنار فرصت‌هایی که برای رشد و بلوغ فراهم می‌کنند، می‌توانند آسیب‌پذیری نوجوان را در برابر تصمیم‌های تکانشی، هیجان‌خواهی، فشار همسالان و رفتارهای ناسازگارانه افزایش دهند. رفتارهای پرخطر نوجوانان مجموعه‌ای از کنش‌های ارادی یا نیمه‌ارادی است که احتمال آسیب جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی یا قانونی را افزایش می‌دهد و می‌تواند شامل مصرف سیگار، الکل و مواد، خشونت، قانون‌گریزی، رانندگی مخاطره‌آمیز، رفتارهای جنسی ناپایمن و سایر رفتارهای تهدیدکننده سلامت باشد. اهمیت این رفتارها تنها به پیامدهای کوتاه‌مدت آنها محدود نیست، بلکه تداوم آنها می‌تواند زمینه‌ساز افت تحصیلی، اختلال در روابط خانوادگی، مشکلات سلامت روان، بزهکاری و محرومیت‌های اجتماعی در بزرگسالی شود. مدل‌های تلفیقی رفتار پرخطر نوجوانان نشان داده‌اند که این رفتارها حاصل تعامل پیچیده ویژگی‌های فردی با عوامل خانوادگی، مدرسه‌ای، اجتماعی و فرهنگی هستند و نمی‌توان آنها را صرفاً بر مبنای صفات شخصیتی یا انتخاب فردی تبیین کرد (Miller et al., 2020).

در رویکردهای معاصر، رفتار انسان در بستری از باورها، ادراک‌ها، فرصت‌ها، محدودیت‌ها و روابط بین‌فردی شکل می‌گیرد. حتی پژوهش‌هایی که در حوزه‌هایی متفاوت از رفتارهای پرخطر نوجوانان انجام شده‌اند، نشان داده‌اند که باورهای افراد درباره پیامدها، مسئولیت شخصی، آسیب‌پذیری و اثربخشی رفتارهای محافظتی می‌توانند بر انتخاب‌های آنان اثرگذار باشند. برای نمونه، مطالعه پراتر درباره رفتارهای امنیت‌سایبری کارکنان غیرمتخصص فناوری اطلاعات نشان داد که باورها و ارزیابی‌های شناختی افراد می‌توانند احتمال انجام رفتارهای ایمن یا پرمخاطره را تغییر دهند؛ هرچند موضوع این مطالعه مستقیماً به نوجوانان مربوط نبود، اصل کلی آن بر نقش ساختارهای شناختی و ادراک خطر در هدایت رفتار تأکید دارد (Prater, 2024). از سوی دیگر، برخی پژوهش‌های سازمانی و آموزشی نیز نشان داده‌اند که ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی می‌توانند فرصت‌های رفتار، احساس توانمندی و الگوهای تصمیم‌گیری افراد را شکل دهند. مطالعه تقی‌زاده و شکری درباره تقویت رهبری معنوی در نهادهای آموزشی، اهمیت فضای حمایتی، ارزش‌های مشترک و کیفیت روابط را در هدایت رفتار برجسته ساخته است (Taghizadeh & Shokri, 2015). همچنین، مطالعه تقی‌زاده، سلطانی و شکری درباره موانع ارتقای زنان به موقعیت‌های مدیریتی نشان داد که رفتار و انتخاب فردی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه محدودیت‌های ساختاری، نگرش‌های اجتماعی و کیفیت حمایت محیطی در آن نقش دارند؛ هرچند این پژوهش نیز مستقیماً درباره نوجوانان نبوده است، یافته آن از ضرورت در نظر گرفتن بافت در تبیین رفتار حمایت می‌کند (Taghizadeh et al., 2012).

خانواده نخستین و پایدارترین بافت اجتماعی است که در آن، نوجوان شیوه تنظیم هیجان، حل مسئله، تصمیم‌گیری، پذیرش مسئولیت، برقراری ارتباط و مواجهه با تعارض را می‌آموزد. کیفیت عملکرد خانواده می‌تواند از طریق نظارت، حمایت عاطفی، انسجام، قواعد رفتاری، پاسخ‌دهی والدین و نحوه مدیریت اختلاف‌ها، احتمال روی آوردن نوجوان به رفتارهای سازگارانه یا پرخطر را تحت تأثیر قرار دهد. کارکرد خانواده مفهومی چندبعدی است که توانایی نظام خانواده در حل مسئله، برقراری ارتباط روشن، توزیع مناسب نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی، کنترل رفتار و حفظ عملکرد کلی را در بر می‌گیرد. در خانواده‌هایی که این ابعاد به‌صورت متوازن عمل می‌کنند، نوجوان معمولاً از احساس امنیت، پیش‌بینی‌پذیری و حمایت بیشتری برخوردار است. در مقابل، ابهام در نقش‌ها، ارتباط ناکارآمد، کنترل نامنسجم، بی‌توجهی هیجانی و ضعف در حل مسئله می‌تواند نوجوان را در برابر فشار همسالان، تکانشگری و جست‌وجوی منابع جایگزین حمایت آسیب‌پذیر سازد. مرور نظام‌مند ویلیامز و چنگ نشان داد که کارکرد خانواده و میزان تمایز یافتگی نوجوان درون نظام خانوادگی با رفتارهای پرخطر ارتباط دارند و

خانواده‌های دارای تعاملات نامنظم یا حمایت ناکافی، زمینه مساعدتری برای بروز این رفتارها فراهم می‌کنند (Williams & Chang, 2022).

نظریه نظام‌های خانواده بوئن نیز بر این فرض استوار است که رفتار هر عضو خانواده را باید در چارچوب شبکه‌ای از روابط متقابل، اضطراب‌های انتقال‌یافته و الگوهای پایدار تعامل بررسی کرد. از این دیدگاه، نشانه یا رفتار مسئله‌ساز نوجوان الزاماً محصول نقصی مستقل در او نیست، بلکه ممکن است بازتابی از تنش‌ها، مرزهای ناکارآمد و فرایندهای هیجانی کل خانواده باشد. کر بر نقش تمایز یافتگی خود، تنظیم اضطراب و فرایندهای بین‌نسلی در فهم رفتار اعضای خانواده تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که کاهش ظرفیت خانواده برای مدیریت هیجان می‌تواند واکنش‌پذیری اعضا را افزایش دهد (Kerr, 2022). پاپرو نیز با مفهوم نظام هیجانی خانواده توضیح می‌دهد که افکار، احساسات و رفتارهای اعضای خانواده به‌طور متقابل یکدیگر را تنظیم می‌کنند و تغییر در یک رابطه می‌تواند بر سایر روابط خانوادگی اثر بگذارد (Papero, 2021). تیتلمن با تمرکز بر مثلث‌های عاطفی نشان می‌دهد که در شرایط اضطراب، تنش میان دو عضو خانواده ممکن است با وارد شدن عضو سوم تثبیت یا جابه‌جا شود؛ در چنین موقعیتی، نوجوان گاهی به کانون تعارض‌های حل‌نشده تبدیل می‌شود و رفتارهای ناسازگارانه او می‌تواند کارکردی نظام‌مند در خانواده پیدا کند (Titelman, 2020).

علاوه بر کارکرد کلی خانواده، شیوه ارتباط میان اعضای آن یکی از مهم‌ترین سازوکارهای اثرگذار بر سازگاری نوجوان است. الگوهای ارتباطی خانواده معمولاً در دو بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری هم‌نواپی بررسی می‌شوند. جهت‌گیری گفت‌و شنود به میزان تشویق اعضای خانواده برای بیان آزادانه افکار، احساسات و دیدگاه‌های متفاوت اشاره دارد. در چنین خانواده‌هایی، نوجوان می‌تواند نگرانی‌ها و تجربه‌های خود را مطرح کند، بازخورد دریافت کند و مهارت‌های استدلال، مذاکره و حل مسئله را بیاموزد. در مقابل، جهت‌گیری هم‌نواپی بر هماهنگی نگرشی، اطاعت، حفظ سلسله‌مراتب و پذیرش تصمیم‌های والدین تأکید دارد. هم‌نواپی در حد متعادل می‌تواند انسجام و وضوح ارزش‌ها را تقویت کند، اما هنگامی که با کنترل شدید و محدود کردن استقلال همراه شود، ممکن است نوجوان را به پنهان‌کاری، مقاومت یا جست‌وجوی خودمختاری از طریق رفتارهای پرخطر سوق دهد. از این‌رو، الگوهای ارتباطی خانواده نه‌تنها کانالی برای انتقال اطلاعات هستند، بلکه تعیین می‌کنند نوجوان تا چه اندازه احساس شنیده شدن، پذیرش و حق انتخاب دارد.

کیفیت ارتباط در خانواده همچنین با نحوه شکل‌گیری و حل تعارض والد-نوجوان پیوند دارد. افزایش اختلاف‌نظر میان والدین و نوجوانان تا حدی پیامد طبیعی رشد استقلال و بازسازی مرزهای خانوادگی است؛ با این حال، تفاوت مهمی میان تعارض سازنده و تعارض مزمن وجود دارد. تعارض سازنده می‌تواند به مذاکره درباره قواعد، روشن شدن انتظارات و رشد مهارت‌های بین‌فردی منجر شود، اما تعارض‌های شدید، مکرر و حل‌نشده با افزایش هیجان منفی، کاهش صمیمیت و تضعیف نظارت والدین همراه هستند. مطالعه طولی چن، یانگ و چن نشان داد که تعارض والد-نوجوان با فشار تحصیلی و نشانه‌های افسردگی نوجوان ارتباط دارد و آثار آن می‌تواند در طول زمان تداوم یابد (Chen et al., 2020). دی توماسو، گاتی و بلمونته نیز در یک بررسی بین‌فرهنگی، تعارض والد-نوجوان را با افزایش رفتارهای پرخطر مرتبط دانستند و نشان دادند که این رابطه ممکن است تحت تأثیر بافت فرهنگی و هنجارهای خانوادگی قرار گیرد (Di Tommaso et al., 2019).

شواهد طولی نشان می‌دهد که تعارض خانوادگی تنها یک همبستگی هم‌زمان با مشکلات رفتاری نیست، بلکه می‌تواند تغییرات آتی رفتار نوجوان را نیز پیش‌بینی کند. لاینو، فانتی و رین گزارش کردند که تعارض والد-نوجوان در طول زمان با افزایش رفتارهای پرخطر همراه است و استمرار تعاملات خصمانه می‌تواند مسیر رشد رفتارهای مسئله‌ساز را تقویت کند (Laino et al., 2022). همچنین، ارلیچ و همکاران نشان دادند که تنظیم هیجان یکی از سازوکارهای واسطه‌ای میان تعارض والد-نوجوان و پیامدهای رفتاری است؛ به این معنا که نوجوانان در معرض تعارض شدید ممکن است در شناسایی، تحمل و مدیریت هیجان‌های منفی با دشواری بیشتری مواجه شوند و در نتیجه، برای کاهش فشار روانی به رفتارهای تکانشی یا پرخطر روی آورند (Ehrlich et al., 2021). یافته‌های اوزدمیر-بیشکین نیز نشان داد که گرمی ادراک‌شده

والدین می‌توانند در رابطه میان تعارض والد-نوجوان و رفتارهای مسئله‌ساز نقش میانجی داشته باشند؛ بنابراین، وجود اختلاف به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست، بلکه نحوه تجربه نوجوان از محبت، پذیرش و حمایت والدین نیز اهمیت دارد (Özdemir-Bişkin, 2024).

تعارض در خانواده می‌تواند از یک زیرنظام به زیرنظام دیگر منتقل شود. بر اساس الگوی سرریز، تنش میان والدین ممکن است کیفیت تعامل آنان با نوجوان را کاهش دهد و زمینه تحریک‌پذیری، طرد یا کنترل افراطی را فراهم کند. تیمونس، هان و مارگولین با آزمون الگوهای سرریز و جبران نشان دادند که تعارض بین‌والدی می‌تواند با سازگاری نوجوان مرتبط باشد و شیوه پاسخ اعضای خانواده به این تعارض در پیامدهای نوجوان نقش دارد (Timmons et al., 2021). مستروتئودوروس و همکاران نیز نشان دادند که تعارض والد-نوجوان در مراحل مختلف نوجوانی با سازگاری هیجانی ارتباط دارد و آثار آن ممکن است به حوزه‌های دیگر روابط خانوادگی و تجربه‌های هیجانی نوجوان سرایت کند (Mastrotheodoros et al., 2021). این یافته‌ها با رویکرد نظام‌های خانواده همسو هستند و نشان می‌دهند که رفتار پرخطر نوجوان را باید در چارچوب شبکه‌ای از تبادلات هیجانی و ارتباطی بررسی کرد.

با وجود اهمیت عوامل خانوادگی، اثر این عوامل ممکن است از طریق فرایندهای روان‌شناختی درون نوجوان منتقل شود. نظریه خودتعیین‌گری سه نیاز بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط را برای رشد سالم، انگیزش درونی و سازگاری روان‌شناختی ضروری می‌داند. خودمختاری به احساس انتخاب و عاملیت شخصی، شایستگی به تجربه توانایی و اثربخشی، و ارتباط به احساس تعلق و برخورداری از روابط حمایتگر اشاره دارد. بر اساس نظریه نیازهای بنیادین روان‌شناختی، ارضای این نیازها با بهزیستی، خودتنظیمی و رفتار سازگارانه همراه است؛ درحالی‌که ناکامی مزمن آنها می‌تواند به بیگانگی، درماندگی، تکانشگری و جست‌وجوی راه‌های جبرانی ناسالم منجر شود (Vansteenkiste et al., 2020). خانواده یکی از اصلی‌ترین محیط‌هایی است که می‌تواند این نیازها را ارضا یا تضعیف کند. ارتباط باز و پذیرنده، خودمختاری نوجوان را حمایت می‌کند؛ بازخورد سازنده و فرصت مشارکت، احساس شایستگی را افزایش می‌دهد؛ و محبت و حضور هیجانی والدین، نیاز به ارتباط را برآورده می‌سازد.

در مقابل، خانواده‌ای که با کنترل روان‌شناختی، تعارض مزمن، طرد هیجانی یا همنوایی اجباری مشخص می‌شود، ممکن است نیازهای بنیادین نوجوان را ناکام گذارد. نوجوانی که احساس می‌کند حق انتخاب ندارد، توانایی‌هایش نادیده گرفته می‌شود یا از رابطه‌ای امن و پذیرا محروم است، ممکن است برای بازیابی احساس اختیار، تعلق یا کفایت به گروه همسالان و رفتارهای مخاطره‌آمیز متوسل شود. بریتون و همکاران نشان دادند که ناکامی نیازهای بنیادین روان‌شناختی با افکار خودکشی و خطر رفتار خودکشی در جوانان ارتباط دارد؛ این یافته اهمیت نیازهای روان‌شناختی را در تبیین شدیدترین اشکال رفتارهای تهدیدکننده سلامت نشان می‌دهد (Britton et al., 2014). همچنین، یعقوب‌زاده و همکاران در یک مدل ساختاری نشان دادند که نیازهای بنیادین روان‌شناختی با رفتارهای پرخطر ارتباط دارند و متغیرهای هیجانی می‌توانند در این رابطه نقش واسطه‌ای ایفا کنند (Yaghoubzadeh et al., 2022). بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که نیازهای بنیادین روان‌شناختی بخشی از اثر کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی و تعارض والد-نوجوان را بر رفتارهای پرخطر توضیح دهند.

عوامل محافظتی خارج از خانواده نیز می‌توانند شدت آثار تعارض را تغییر دهند. لوئو، هه و لیو نشان دادند که پیوند با مدرسه می‌تواند رابطه میان تعارض والد-نوجوان و مصرف مواد را تعدیل کند؛ به‌گونه‌ای که احساس تعلق به مدرسه و برخورداری از روابط حمایتگر آموزشی ممکن است بخشی از آثار منفی تعارض خانوادگی را کاهش دهد (Luo et al., 2019). باین‌حال، مدرسه و سایر منابع حمایت اجتماعی همیشه قادر نیستند ضعف‌های عمیق و پایدار در عملکرد خانواده را جبران کنند. به همین دلیل، مطالعه هم‌زمان عوامل خانوادگی و نیازهای روان‌شناختی می‌تواند تصویر دقیق‌تری از سازوکارهای خطر و محافظت ارائه دهد و نشان دهد که چرا برخی نوجوانان در شرایط خانوادگی نامطلوب به رفتارهای پرخطر روی می‌آورند، درحالی‌که برخی دیگر سازگاری خود را حفظ می‌کنند.

بررسی این روابط در جامعه عراق اهمیت ویژه‌ای دارد. نوجوانان عراقی در دهه‌های اخیر در معرض مجموعه‌ای از فشارهای اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و خانوادگی قرار داشته‌اند که می‌تواند سلامت روان و کیفیت روابط خانوادگی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین بستری، رفتارهای

پرخاطر ممکن است هم پیامد آسیب‌پذیری‌های فردی و هم واکنشی به تنش‌های محیطی، ضعف نظارت یا کاهش حمایت اجتماعی باشد. همین در تحلیلی از رفتارهای پرخاطر نوجوانان عراقی، به وجود رفتارهایی مانند رانندگی مخاطره‌آمیز، مصرف سیگار، خشونت، مصرف الکل و سوءمصرف مواد اشاره کرده است (Haiman, 2016). قاسم، الحدیثی و الطویل نیز نشان دادند که چندین رفتار مخاطره‌آمیز سلامت در میان نوجوانان مدرسه‌ای اقلیم کردستان عراق مشاهده می‌شود و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی با احتمال بروز هم‌زمان این رفتارها مرتبط هستند (Qasem et al., 2019). این شواهد نشان می‌دهند که رفتارهای پرخاطر در میان نوجوانان عراقی مسئله‌ای واقعی و چندعاملی است که به بررسی دقیق عوامل خانوادگی و روان‌شناختی نیاز دارد.

مطالعه الحیالی، الجمیلی و السنجاری درباره مصرف مواد در میان دانش‌آموزان دبیرستانی اربیل نیز نشان داد که مصرف مواد در این گروه با مجموعه‌ای از عوامل بالقوه خانوادگی و محیطی همراه است (Al-Hyali et al., 2019). این یافته از آن جهت اهمیت دارد که مصرف مواد معمولاً به‌صورت منفرد رخ نمی‌دهد و می‌تواند با سایر رفتارهای پرخاطر، مشکلات تحصیلی و تعارضات بین‌فردی هم‌پوشانی داشته باشد. بنابراین، تمرکز صرف بر یک رفتار خاص ممکن است پیچیدگی شبکه عوامل خطر را نادیده بگیرد. بررسی سازه کلی رفتارهای پرخاطر و ارتباط آن با عملکرد و ارتباطات خانواده می‌تواند به شناسایی عوامل مشترکی کمک کند که زیربنای انواع مختلف رفتارهای آسیب‌زا هستند.

با وجود شواهد موجود، چند خلأ مهم در ادبیات پژوهش مشاهده می‌شود. نخست، بسیاری از مطالعات، هر یک از متغیرهای خانوادگی را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های کمتری کارکرد خانواده، جهت‌گیری گفت‌و شنود، جهت‌گیری همنوایی و تعارض والد-نوجوان را در یک مدل یکپارچه وارد کرده‌اند. دوم، اگرچه رابطه عوامل خانوادگی با رفتارهای پرخاطر تأیید شده است، سازوکار روان‌شناختی انتقال این اثر کمتر روشن است. در نظر گرفتن نیازهای بنیادین روان‌شناختی به‌عنوان متغیر میانجی می‌تواند توضیح دهد که محیط خانواده چگونه از طریق تقویت یا ناکام‌سازی خودمختاری، شایستگی و ارتباط بر رفتار نوجوان اثر می‌گذارد. سوم، بخش قابل‌توجهی از شواهد موجود در جوامع غربی یا غیرعراقی تولید شده است و تعمیم مستقیم آنها به نوجوانان عراقی، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی، با محدودیت همراه است. ساختار خانواده، ارزش‌های جمع‌گرایانه، اقتدار والدین و انتظارات مربوط به اطاعت و استقلال در بافت عراق می‌توانند جهت و شدت روابط میان متغیرها را تغییر دهند.

از منظر کاربردی نیز شناخت این روابط می‌تواند برای طراحی برنامه‌های پیشگیری خانواده‌محور مفید باشد. اگر مشخص شود که کارکرد نامطلوب خانواده، همنوایی افراطی و تعارض والد-نوجوان رفتارهای پرخاطر را افزایش می‌دهند، مداخلات می‌توانند بر آموزش حل مسئله خانوادگی، ارتباط بدون قضاوت، تنظیم هیجان، مذاکره درباره قواعد و کاهش کنترل روان‌شناختی تمرکز کنند. همچنین، اگر نیازهای بنیادین روان‌شناختی نقش میانجی داشته باشند، برنامه‌های پیشگیری نباید تنها بر منع رفتارهای پرخاطر یا افزایش نظارت تأکید کنند؛ بلکه باید فرصت‌هایی برای تجربه انتخاب مسئولانه، احساس شایستگی و تعلق ایمن فراهم آورند. چنین رویکردی، نوجوان را صرفاً دریافت‌کننده کنترل والدین نمی‌بیند، بلکه او را فردی در حال رشد می‌داند که برای خودتنظیمی پایدار به حمایت از نیازهای روان‌شناختی خود نیاز دارد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان در رفتارهای پرخاطر نوجوانان عراقی با میانجی‌گری نیازهای بنیادین روان‌شناختی بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-همبستگی و از نظر رویکرد تحلیلی، مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود و به‌صورت مقطعی در سال تحصیلی ۲۰۲۵-۲۰۲۶ انجام شد. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان نوجوان دوره دوم متوسطه استان صلاح‌الدین عراق تشکیل دادند. بر اساس اطلاعات موجود، در این استان ۲۳۲ مدرسه دوره دوم متوسطه با بیش از ۴۳۰۰۰ دانش‌آموز فعالیت داشتند. از میان جامعه آماری، ۳۰۰ دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور، در مرحله نخست، از میان شهرهای استان صلاح‌الدین، شهرهای تکریت و سامرا به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعد،

از هر شهر ۵ مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس انتخاب شد. سپس از هر کلاس ۱۰ دانش‌آموز برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند و در مجموع، ۳۰۰ دانش‌آموز پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۶ تا ۱۹ سال بود؛ به‌گونه‌ای که ۱۹ درصد آنان ۱۶ ساله، ۴۰ درصد ۱۷ ساله، ۳۲ درصد ۱۸ ساله و ۹ درصد ۱۹ ساله بودند. از نظر پایه تحصیلی، ۳۲ درصد در پایه دهم، ۳۳ درصد در پایه یازدهم و ۳۵ درصد در پایه دوازدهم تحصیل می‌کردند. همچنین، ۴۱ درصد نمونه را دانش‌آموزان پسر و ۵۹ درصد را دانش‌آموزان دختر تشکیل دادند. پرسشنامه‌ها پس از هماهنگی با مسئولان مدارس و برگزاری جلسه‌ای کوتاه برای توضیح هدف پژوهش و شیوه پاسخ‌گویی، در محیط مدرسه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفتند. به دانش‌آموزان درباره محرمانه‌ماندن اطلاعات، ناشناس‌بودن پاسخ‌ها، استفاده از داده‌ها صرفاً در چارچوب اهداف علمی و اختیاری‌بودن مشارکت توضیح داده شد و سپس پرسشنامه‌های تکمیل‌شده جمع‌آوری و برای تحلیل آماری آماده شدند.

پرسشنامه کارکرد خانواده: برای سنجش کارکرد خانواده از پرسشنامه کارکرد خانواده مبتنی بر الگوی مک‌مستر استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۶۰ گویه است که پاسخ‌دهندگان میزان انطباق هر گویه با وضعیت خانواده خود را بر اساس یک مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای مشخص می‌کنند. ابزار مذکور هفت حوزه حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، درگیری عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده را ارزیابی می‌کند. دامنه نمره کل پرسشنامه بین ۶۰ تا ۲۴۰ قرار دارد. بر اساس جهت نمره‌گذاری مورد استفاده در این پژوهش، نمرات بالاتر بیانگر مشکلات بیشتر و کارکرد نامطلوب‌تر خانواده بود؛ بنابراین، رابطه مثبت نمره این مقیاس با رفتارهای پرخطر به‌منزله همراهی ضعف کارکرد خانواده با افزایش این رفتارها تفسیر شد. در نسخه مقاله، ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های این ابزار در دامنه ۰٫۷۲ تا ۰٫۹۲ گزارش شده است که نشان‌دهنده همسانی درونی قابل قبول تا مطلوب مؤلفه‌های آن است.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده: الگوهای ارتباطی خانواده با استفاده از پرسشنامه استاندارد الگوهای ارتباطی خانواده سنجیده شد. این ابزار بر اساس چارچوب نظری کورنر و فیتزپاتریک، دو بعد اصلی جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی را ارزیابی می‌کند. جهت‌گیری گفت‌و شنود نشان‌دهنده میزان تشویق اعضای خانواده به تبادل آزادانه افکار، بیان احساسات، طرح دیدگاه‌های متفاوت و مشارکت در گفت‌وگوهای خانوادگی است. در مقابل، جهت‌گیری هم‌نوایی بر میزان تأکید خانواده بر مشابهت نگرش‌ها، اطاعت از والدین، حفظ هماهنگی و تبعیت از ارزش‌ها و تصمیم‌های غالب خانواده دلالت دارد. در پژوهش حاضر، نمرات این دو مؤلفه به‌صورت جداگانه در مدل ساختاری وارد شدند؛ به‌گونه‌ای که نمره بیشتر در جهت‌گیری گفت‌و شنود نشان‌دهنده ارتباط بازتر و تعاملی‌تر و نمره بیشتر در جهت‌گیری هم‌نوایی بیانگر تأکید بیشتر خانواده بر تبعیت و همسانی نگرشی بود. نسخه مقاله تعداد گویه‌ها، دامنه نمره‌گذاری و ضرایب پایایی به‌دست‌آمده برای این ابزار در نمونه حاضر را گزارش نکرده است؛ از این‌رو، این مشخصات باید بر اساس نسخه دقیق پرسشنامه استفاده‌شده و نتایج تحلیل پایایی پژوهش تکمیل شوند.

پرسشنامه تعارض والد-نوجوان: برای اندازه‌گیری تعارض میان والدین و نوجوانان از پرسشنامه استاندارد تعارض والد-نوجوان استفاده شد. این ابزار میزان رفتارهای تعارض‌آمیز موجود در رابطه نوجوان با والدین را ارزیابی می‌کند و موضوعاتی مانند تکرار اختلاف‌نظرها، شدت تنش‌های ارتباطی، مخالفت با تصمیم‌ها و مقررات خانوادگی، دشواری در حل تعارض‌ها و تجربه تعاملات منفی میان والدین و نوجوان را در بر می‌گیرد. نمره بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده فراوانی یا شدت بیشتر رفتارهای تعارض‌آمیز در رابطه والد-نوجوان بود. در مدل پژوهش، تعارض والد-نوجوان به‌عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین رفتارهای پرخطر و همچنین یکی از عوامل مؤثر بر ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در نظر گرفته شد. در متن مقاله، کمترین و بیشترین نمره مشاهده‌شده برای رفتار تعارض‌آمیز به‌ترتیب ۰ و ۲۰ گزارش شده است، اما اطلاعات مربوط به نام سازنده ابزار، سال تدوین، تعداد گویه‌ها، شیوه دقیق پاسخ‌گویی، دامنه نظری نمرات و شاخص‌های روایی و پایایی آن ارائه نشده است و لازم است این موارد بر اساس نسخه اصلی ابزار مورد استفاده به بخش روش افزوده شوند.

پرسشنامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی: برای سنجش متغیر میانجی از پرسشنامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی استفاده شد. این ابزار بر مبنای نظریه خودتعیین‌گری، سه نیاز اساسی خودمختاری، شایستگی و ارتباط را اندازه‌گیری می‌کند. خودمختاری به تجربه انتخاب، اراده و

احساس اختیار در انجام رفتارها اشاره دارد؛ شایستگی بیانگر ادراک فرد از توانایی، اثربخشی و موفقیت در تعامل با محیط است؛ و ارتباط به احساس تعلق، صمیمیت، پذیرش و برخورداری از روابط حمایتگرانه با دیگران مربوط می‌شود. در پژوهش حاضر، نمرات سه مؤلفه مذکور برای ارزیابی میزان ارضای نیازهای روان‌شناختی نوجوانان به کار رفت و سازه کلی نیازهای بنیادین روان‌شناختی به‌عنوان متغیر میانجی در ارتباط میان کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده، تعارض والد-نوجوان و رفتارهای پرخطر وارد مدل شد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده ارضای بیشتر نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط بود. متن مقاله نام دقیق نسخه پرسشنامه، سازنده، تعداد گویه‌ها، مقیاس پاسخ‌گویی، دامنه نظری نمرات و ضرایب پایایی آن در نمونه پژوهش را مشخص نکرده است؛ بنابراین، برای تکمیل گزارش روش‌شناختی، این اطلاعات باید از نسخه ابزار اجرا شده استخراج و درج شود.

پرسشنامه رفتارهای پرخطر: متغیر ملاک پژوهش با استفاده از پرسشنامه استاندارد رفتارهای پرخطر نوجوانان اندازه‌گیری شد. این ابزار برای ارزیابی میزان گرایش یا درگیری نوجوانان در مجموعه‌ای از رفتارهایی طراحی شده است که می‌توانند سلامت جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی آنان را تهدید کنند. با توجه به چارچوب مقاله، رفتارهای مورد بررسی شامل حوزه‌هایی مانند مصرف سیگار، الکل و مواد، رفتارهای خشونت‌آمیز، قانون‌گریزی، رانندگی مخاطره‌آمیز و دیگر رفتارهای ناسازگارانه بود. نمره بیشتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده میزان بالاتر گرایش یا مشارکت در رفتارهای پرخطر تلقی شد. در نمونه پژوهش، دامنه نمرات مشاهده‌شده بین ۱۲۶ تا ۱۶۱ قرار داشت. باین‌حال، در نسخه مقاله اطلاعاتی درباره نام و سازنده دقیق پرسشنامه، تعداد گویه‌ها، ابعاد ابزار، نحوه نمره‌گذاری، دامنه نظری نمرات و شواهد روایی و پایایی آن گزارش نشده است؛ از این‌رو، درج این مشخصات بر اساس نسخه واقعی ابزار استفاده‌شده برای افزایش قابلیت بازتولید پژوهش ضروری است.

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها از نظر کامل‌بودن پاسخ‌ها بررسی و سپس در نرم‌افزار SPSS وارد شدند. برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان و متغیرهای اصلی پژوهش از فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل‌های استنباطی، مفروضه‌های لازم بررسی شدند. نرمال‌بودن توزیع متغیرها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف ارزیابی شد و با توجه به اینکه سطح معناداری تمامی متغیرها بیشتر از ۰,۰۵ بود، فرض نرمال‌بودن توزیع داده‌ها تأیید شد. داده‌های پرت چندمتغیره با استفاده از فاصله ماهالانوبیس بررسی شدند و شواهدی مبنی بر وجود داده پرت معنادار مشاهده نشد. همچنین، شاخص‌های تحمل و عامل تورم واریانس برای بررسی هم‌خطی چندگانه مورد استفاده قرار گرفتند و نتایج نشان دادند که میان متغیرهای پیش‌بین مشکل هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. استقلال خطاها نیز با آماره دوربین-واتسون بررسی شد که مقدار آن ۱,۶۴ به دست آمد و نشان‌دهنده استقلال نسبی خطاهای مدل بود. برای تعیین جهت و شدت روابط دو متغیری میان کارکرد خانواده، جهت‌گیری گفت‌و شنود، جهت‌گیری هم‌نواپی، تعارض والد-نوجوان، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای پرخطر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. در مرحله نهایی، مدل مفهومی پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS آزمون شد. در این مدل، اثرات مستقیم کارکرد خانواده، دو بعد الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان بر رفتارهای پرخطر، اثر این متغیرها بر نیازهای بنیادین روان‌شناختی و اثر نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر رفتارهای پرخطر برآورد شد. برای بررسی نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی نیز اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پیش‌بین محاسبه شدند. معناداری مسیرها بر اساس ضرایب استاندارد شده و مقدار نسبت بحرانی ارزیابی شد و مقادیر بزرگ‌تر از ۱,۹۶ از نظر آماری معنادار تلقی شدند. سطح معناداری آزمون‌ها ۰,۰۵ در نظر گرفته شد و ضرایب تعیین برای مشخص کردن سهم مدل در تبیین واریانس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رفتارهای پرخطر گزارش شدند.

یافته‌ها

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، از مجموع ۳۰۰ دانش‌آموز شرکت‌کننده در پژوهش، ۱۹ درصد ۱۶ ساله، ۴۰ درصد ۱۷ ساله، ۳۲ درصد ۱۸ ساله و ۹ درصد ۱۹ ساله بودند. از نظر پایه تحصیلی نیز ۳۲ درصد در پایه دهم، ۳۳ درصد در پایه یازدهم و ۳۵ درصد در پایه دوازدهم مشغول تحصیل بودند. همچنین ۴۱ درصد از نمونه را پسران و ۵۹ درصد را دختران تشکیل می‌دادند.

در بخش آمار توصیفی متغیرهای اصلی، میانگین کارکرد خانواده برابر با ۱۴۳,۷۰ و انحراف معیار آن ۹,۰۷ بود. میانگین مؤلفه جهت‌گیری گفت‌و شنود ۴۳,۳۳، جهت‌گیری هم‌نوایی ۲۳,۱۲ و رفتار تعارض‌آمیز ۹,۹۱ با انحراف معیار ۴,۷۰ گزارش شد. همچنین میانگین نیاز به خودمختاری ۱۷,۱۶، نیاز به شایستگی ۱۵,۸۸ و نیاز به ارتباط ۲۲,۳۰ بود. میانگین رفتارهای پرخطر نیز ۱۴۵,۳۵ و انحراف معیار آن ۸,۱۰ به‌دست آمد.

جدول ۱- توصیف آماری نمرات متغیرهای پژوهش رابطه کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد- نوجوان با گرایش به رفتارهای پر خطر در دانش آموزان نوجوان عراقی: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی

متغیرها	مؤلفه ها	میانگین	کمترین	بیشترین	انحراف استاندارد
کارکرد خانواده	-----	۱۴۳,۷۰	۱۱۱	۱۶۰	۹,۰۷
الگوی ارتباطی خانواده	جهت‌گیری گفت‌و شنود	۴۳,۳۳	۲۵	۶۰	۷,۷۸
	جهت‌گیری هم‌نوایی	۲۳,۱۲	۸	۳۹	۷,۷۳
رفتار تعارض‌آمیز	-----	۹,۹۱	۰	۲۰	۴,۷۰
نیازهای بنیادین	خودمختاری	۱۷,۱۶	۲	۳۳	۷,۷۱
	نیاز به شایستگی	۱۵,۸۸	۶	۲۶	۴,۶۹
	نیاز به ارتباط	۲۲,۳۰	۳	۳۸	۷,۹۹
رفتارهای پرخطر	-----	۱۴۵,۳۵	۱۲۶	۱۶۱	۸,۱۰

در بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل، نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نشان داد که توزیع داده‌ها در تمامی متغیرهای پژوهش نرمال است، زیرا مقدار معناداری همه متغیرها بیشتر از ۰,۰۵ بود. همچنین بررسی داده‌های پرت چندمتغیره با استفاده از فاصله ماله‌لانوبیس نشان داد که داده پرت معناداری وجود ندارد.

جدول ۲- جدول نتایج آزمون نرمال بودن کالموگراف اسمیرنوف

متغیرها	مؤلفه ها	مقدار کالموگروف - اسمیرنوف	سطح معناداری
کارکرد خانواده	-----	۰,۰۴۹	۰,۰۷۴
الگوی ارتباطی خانواده	جهت‌گیری گفت‌و شنود	۰,۰۳۷	۰,۲۰۰
	جهت‌گیری هم‌نوایی	۰,۰۴۸	۰,۰۹۰
رفتار تعارض‌آمیز	-----	۰,۰۵۰	۰,۰۶۳
نیازهای بنیادین	خودمختاری	۰,۰۴۵	۰,۲۰۰
	نیاز به شایستگی	۰,۰۵۱	۰,۰۵۴
	نیاز به ارتباط	۰,۰۴۹	۰,۰۸۲
رفتارهای پرخطر	-----	۰,۰۵۱	۰,۰۶۰

از سوی دیگر، شاخص‌های تحمل و VIF نشان دادند که مشکل همخطی چندگانه در بین متغیرها مشاهده نمی‌شود. مقدار دوربین-واتسون نیز ۱,۶۴ به‌دست آمد که نشان‌دهنده استقلال نسبی خطاها است.

جدول ۳- آزمون دوربین- واتسون جهت تعیین استقلال خطاها

متغیر ملاک (انگیزش رفتارهای پرخطر)	آماره دوربین - واتسون
	۱,۶۴

نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده وجود روابط معنادار بین متغیرهای اصلی پژوهش است. بر اساس ضرایب همبستگی پیرسون، الگوی روابط به شرح زیر تبیین می‌شود: کارکرد خانواده با رفتارهای پرخطر رابطه‌ای مثبت و قوی دارد ($r = ۰.۷۰, p < ۰.۰۰۱$)، که نشان می‌دهد هرچه کارکرد خانواده

ضعیف‌تر باشد، میزان بروز رفتارهای پرخطر افزایش می‌یابد. همچنین، کارکرد خانواده با جهت‌گیری گفت‌و شنود ($p < 0.001, r = -0.48$)، خودمختاری ($p < 0.001, r = -0.43$)، نیاز به شایستگی ($p < 0.001, r = -0.56$) و نیاز به ارتباط ($p < 0.001, r = -0.36$) رابطه منفی دارد؛ این یافته‌ها حاکی از آن است که بهبود کارکرد خانواده با ارضای بیشتر نیازهای بنیادین و الگوهای ارتباطی سالم‌تر همراه است. در مقابل، کارکرد خانواده با جهت‌گیری همنوایی ($p < 0.001, r = 0.42$) و رفتار تعارض‌آمیز ($p < 0.001, r = 0.59$) رابطه مثبت دارد. بین دو مؤلفه الگوهای ارتباطی خانواده، یعنی جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی رابطه منفی مشاهده شد ($p < 0.001, r = -0.36$)، که بیانگر ماهیت متضاد این دو سبک ارتباطی است. همچنین، جهت‌گیری گفت‌و شنود با رفتار تعارض‌آمیز ($p < 0.001, r = -0.45$) و رفتارهای پرخطر ($p < 0.001, r = -0.62$) رابطه منفی دارد، در حالی که جهت‌گیری همنوایی با رفتارهای پرخطر رابطه مثبت نشان می‌دهد ($p < 0.001, r = 0.69$) میان سه نیاز بنیادین روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) همبستگی‌های مثبت و معناداری مشاهده شد ($0.39 \leq r \leq 0.44$). هر سه نیاز بنیادین با رفتارهای پرخطر رابطه منفی دارند؛ به‌طوری که بیشترین همبستگی منفی مربوط به نیاز به شایستگی ($r = -0.59$) و پس از آن خودمختاری ($r = -0.53$) و نیاز به ارتباط ($r = -0.51$) است. این نتایج نشان می‌دهد که ارضای نیازهای بنیادین نقش محافظتی در برابر رفتارهای پرخطر ایفا می‌کند. رفتار تعارض‌آمیز با رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و قوی دارد ($p < 0.001, r = 0.72$) و با نیازهای بنیادین روان‌شناختی رابطه منفی نشان می‌دهد ($r = -0.33, r = -0.42, r = -0.45$). این یافته‌ها حاکی از آن است که افزایش تعارض در خانواده می‌تواند با تضعیف نیازهای روان‌شناختی و افزایش رفتارهای پرخطر همراه باشد. به‌طور کلی، نتایج همبستگی‌ها نشان می‌دهد که کارکرد نامطلوب خانواده، الگوهای ارتباطی ناسازگار (همنوایی بالا و گفت‌و شنود پایین) و تعارض خانوادگی با افزایش رفتارهای پرخطر مرتبط هستند، در حالی که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی نقش بازدارنده و محافظتی در برابر این رفتارها دارد. این یافته‌ها از چارچوب نظری پژوهش و نتایج مطالعات پیشین حمایت می‌کنند.

جدول ۴- ضرائب همبستگی پیرسون در متغیرهای پژوهش رابطه کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان با گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش آموزان نوجوان عراقی: نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۱	کارکرد خانواده
					۱	-۰,۴۸	۲ جهت‌گیری گفت‌و شنود
				۱	-۰,۳۶	۰,۴۲	۳ جهت‌گیری همنوایی
			۱	۰,۳۹	-۰,۴۵	۰,۵۹	۴ رفتار تعارض‌آمیز
		۱	-۰,۳۳	-۰,۴۲	۰,۳۳	-۰,۴۳	۵ خودمختاری
	۱	۰,۳۹	-۰,۴۲	-۰,۳۷	۰,۳۸	-۰,۵۶	۶ نیاز به شایستگی
۱	۰,۴۴	۰,۴۱	-۰,۴۵	-۰,۳۸	۰,۴۱	-۰,۳۶	۷ نیاز به ارتباط
-۰,۵۱	-۰,۵۹	-۰,۵۳	۰,۷۲	۰,۶۹	-۰,۶۲	۰,۷۰	۸ رفتارهای پرخطر

نتایج مدل ساختاری نشان داد که تمامی مسیرهای اصلی پژوهش معنادار بوده‌اند و مقدار آماره تی برای همه مسیرها بزرگ‌تر از ۱,۹۶ گزارش شده است. بر اساس ضرایب مسیر استاندارد، کارکرد خانواده اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر داشت ($\beta = 0.343$). جهت‌گیری گفت‌و شنود اثر منفی و معناداری بر رفتارهای پرخطر نشان داد ($\beta = -0.256$). همچنین همنوایی ($\beta = 0.267$) و رفتار تعارض‌آمیز ($\beta = 0.332$) اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر داشتند. در مقابل، نیازهای بنیادین اثر منفی و معناداری بر رفتارهای پرخطر نشان دادند ($\beta = -0.498$). در مسیرهای مربوط به متغیر میانجی نیز کارکرد خانواده اثر منفی بر نیازهای بنیادین داشت ($\beta = -0.394$). جهت‌گیری گفت‌و شنود اثر مثبت ($\beta = 0.374$)، همنوایی اثر منفی ($\beta = -0.286$) و رفتار تعارض‌آمیز اثر منفی ($\beta = -0.397$) بر نیازهای بنیادین نشان داد.

جدول ۵- برآورد ضرایب اثرات مستقیم متغیرها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر استاندارد (بتا)	ضریب مسیر غیر استاندارد	خطای استاندارد S.E	آماره تی C.R
کارکرد خانواده	رفتارهای پرخطر	۰.۳۴۳	۰.۶۷۳	۰.۱۱۷	۴.۳۶۷
جهتگیری گفت و شنود	رفتارهای پرخطر	-۰.۲۵۶	-۰.۳۵۹	۰.۱۳۹	-۵.۵۶۸
جهتگیری همنوایی	رفتارهای پرخطر	۰.۲۶۷	-۰.۳۳۸	۰.۱۴۲	-۴.۲۹۶
رفتار تعارض آمیز	رفتارهای پرخطر	۰.۳۳۲	۰.۳۵۹	۰.۰۶۳	۴.۱۵۶
نیازهای بنیادین	رفتارهای پرخطر	-۰.۴۹۸	-۰.۷۳۹	۰.۱۲۴	-۶.۸۷۶
کارکرد خانواده	نیازهای بنیادین	-۰.۳۹۴	-۰.۲۶۵	۰.۰۶۰	-۵.۹۸۷
جهتگیری گفت و شنود	نیازهای بنیادین	۰.۳۷۴	۰.۴۵۳	۰.۰۷۳	۶.۱۳۷
جهتگیری همنوایی	نیازهای بنیادین	-۰.۲۸۶	۰.۳۱۷	۰.۰۵۹	۵.۱۲۳
رفتار تعارض آمیز	نیازهای بنیادین	-۰.۳۹۷	-۰.۱۵۴	۰.۰۳۳	-۶.۱۲۴

ضریب تعیین رفتارهای پرخطر برابر با ۰.۵۰۳ بود؛ بنابراین، مدل پژوهش توانست ۵۰.۳ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر را تبیین کند. همچنین ضریب تعیین نیازهای بنیادین ۰.۳۳۱ به دست آمد که نشان می‌دهد ۳۳.۱ درصد از واریانس این متغیر توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین شده است.

جدول ۶- اثرات کل، اثرات مستقیم و اثرات غیر مستقیم متغیرها

متغیر	مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	ضریب تعیین
کارکرد خانواده		۰.۳۴۳	۰.۶۰۳	۰.۹۷۳	
جهتگیری گفت و شنود		-۰.۲۵۶	-۰.۱۸۵	-۰.۴۴۱	
جهتگیری همنوایی		۰.۲۶۷	۰.۱۴۵	۰.۴۱۲	۰.۵۰۳
رفتار تعارض آمیز		۰.۳۳۲	۰.۲۰۰	۰.۵۳۲	
نیازهای بنیادین		-۰.۴۹۸	---	۰.۴۹۸	
کارکرد خانواده		-۰.۳۹۴	---	-۰.۳۹۴	
جهتگیری گفت و شنود		۰.۳۷۴	---	۰.۳۷۴	۰.۳۳۱
جهتگیری همنوایی		-۰.۲۸۶	---	-۰.۲۸۶	
رفتار تعارض آمیز		-۰.۳۹۷	---	-۰.۳۹۷	

به‌طور کلی، یافته‌ها نشان دادند که کارکرد ضعیف خانواده، همنوایی بالا و رفتار تعارض‌آمیز بیشتر با افزایش رفتارهای پرخطر همراهان، در حالی که جهت‌گیری گفت‌و شنود و نیازهای بنیادین روان‌شناختی نقش محافظتی داشته و با کاهش رفتارهای پرخطر مرتبطانند. همچنین نتایج مدلیابی معادلات ساختاری نشان داد که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار بوده و توانسته بخش قابل توجهی از رفتارهای پرخطر نوجوانان را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده کارکرد خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض والد-نوجوان در رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی و تعیین نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی انجام شد. نتایج مدلیابی معادلات ساختاری نشان داد که تمامی مسیرهای اصلی مدل از نظر آماری معنادار بودند. بر اساس ضرایب استاندارد، کارکرد نامطلوب خانواده با ضریب ۰.۳۴۳، جهت‌گیری همنوایی با ضریب ۰.۲۶۷ و رفتار تعارض‌آمیز والد-نوجوان با ضریب ۰.۳۳۲ اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر داشتند. در مقابل، جهت‌گیری گفت‌و شنود

با ضریب منفی ۰,۲۵۶ و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با ضریب منفی ۰,۴۹۸، رفتارهای پرخطر را به‌صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کردند. همچنین، کارکرد نامطلوب خانواده، جهت‌گیری همنوایی و تعارض والد-نوجوان به کاهش ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی منجر شدند، در حالی که جهت‌گیری گفت‌و شنود اثر مثبتی بر این نیازها داشت. نتایج مربوط به اثرات غیرمستقیم نیز نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در ارتباط میان متغیرهای خانوادگی و رفتارهای پرخطر تأیید کرد. مدل نهایی توانست ۵۰,۳ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر و ۳۳,۱ درصد از واریانس نیازهای بنیادین روان‌شناختی را تبیین کند؛ بنابراین، متغیرهای خانوادگی و روان‌شناختی بررسی شده از قدرت تبیینی قابل‌توجهی در شناخت رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی برخوردار بودند.

نخستین یافته پژوهش نشان داد که کارکرد نامطلوب خانواده اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر نوجوانان دارد. این یافته با نتایج مرور نظام‌مند ویلیامز و چنگ همسو است که نشان دادند اختلال در کارکرد خانواده، ضعف تمایز یافتگی نوجوان و نابسامانی روابط خانوادگی با افزایش رفتارهای پرخطر همراه است (Williams & Chang, 2022). خانواده‌ای که در حل مسائل، توزیع نقش‌ها، تنظیم هیجان، پاسخ‌دهی عاطفی، کنترل رفتار و برقراری ارتباط روشن با مشکل مواجه است، نمی‌تواند محیطی باثبات و حمایتگر برای نوجوان فراهم کند. در چنین شرایطی، قواعد رفتاری ممکن است متناقض یا نامشخص باشند، نظارت والدین کاهش یابد و نوجوان برای دریافت پذیرش، هیجان یا احساس تعلق به گروه همسالان یا موقعیت‌های مخاطره‌آمیز گرایش پیدا کند. از سوی دیگر، ضعف در پاسخ‌دهی عاطفی و درگیری عاطفی مناسب می‌تواند احساس تنهایی و طردشدگی را در نوجوان افزایش دهد و رفتار پرخطر را به ابزاری برای کاهش فشار روانی، کسب توجه یا ابراز اعتراض تبدیل کند.

این یافته را می‌توان بر اساس نظریه نظام‌های خانواده نیز تبیین کرد. در این رویکرد، رفتار نوجوان مستقل از روابط و فرایندهای هیجانی خانواده در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه نشانه‌های رفتاری او بخشی از عملکرد کل نظام خانواده محسوب می‌شوند. کر تأکید می‌کند که اضطراب مزمن، تمایز یافتگی پایین و واکنش‌پذیری هیجانی اعضای خانواده می‌تواند ظرفیت آنان را برای مواجهه منطقی با مسائل کاهش دهد و زمینه رفتارهای ناسازگارانه را فراهم سازد (Kerr, 2022). پاپرو نیز خانواده را یک نظام هیجانی به‌هم‌پیوسته می‌داند که در آن، تنش و بی‌ثباتی در یک رابطه می‌تواند بر سایر اعضا و روابط اثر بگذارد (Papero, 2021). بر این اساس، رفتار پرخطر نوجوان ممکن است بازتاب اضطراب، تعارض و ناتوانی خانواده در مدیریت فرایندهای هیجانی باشد. هنگامی که خانواده قادر به حل مؤثر مشکلات نیست، تنش‌ها ممکن است به‌صورت مزمن ادامه یابند و نوجوان با رفتارهای تکانشی یا خطر جویانه به این فضای هیجانی پاسخ دهد.

همچنین، یافته مربوط به کارکرد خانواده با نتایج مطالعات انجام‌شده در جامعه عراق قابل تبیین است. هیمن نشان داد که رفتارهایی مانند رانندگی مخاطره‌آمیز، استعمال سیگار، خشونت، مصرف الکل و سوءمصرف مواد در میان نوجوانان عراقی قابل مشاهده است و این رفتارها باید در پیوند با شرایط اجتماعی و خانوادگی آنان تحلیل شوند (Haiman, 2016). قاسم و همکاران نیز وجود هم‌زمان چندین رفتار مخاطره‌آمیز سلامت را در میان دانش‌آموزان اقلیم کردستان عراق گزارش کردند و بر نقش عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی در این زمینه تأکید داشتند (Qasem et al., 2019). افزون بر این، الحیالی و همکاران در بررسی مصرف مواد میان دانش‌آموزان دبیرستانی اربیل نشان دادند که عوامل خانوادگی و محیطی می‌توانند در شکل‌گیری این رفتار نقش داشته باشند (Al-Hyali et al., 2019). بنابراین، می‌توان گفت خانواده‌های دارای ساختار منسجم، نظارت مناسب، حمایت عاطفی و مهارت حل مسئله، ظرفیت بیشتری برای محافظت از نوجوان در برابر فشارهای اجتماعی و رفتارهای پرخطر دارند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که جهت‌گیری گفت‌و شنود اثر منفی و معناداری بر رفتارهای پرخطر داشت. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه فضای خانواده برای گفت‌وگوی آزادانه، بیان احساسات، طرح نگرانی‌ها و تبادل دیدگاه‌ها مساعدتر باشد، احتمال گرایش نوجوان به رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. در خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت‌و شنود بالا، نوجوان می‌تواند بدون ترس از تحقیر، تنبیه یا طردشدن، درباره مشکلات تحصیلی، روابط با همسالان، فشارهای اجتماعی و تجربه‌های مخاطره‌آمیز خود صحبت کند. این فرایند به والدین امکان می‌دهد تا

پیش از تبدیل مشکلات به رفتارهای شدید، حمایت و راهنمایی لازم را ارائه کنند. همچنین، گفت‌و شنود سازنده مهارت‌های مذاکره، خودآشنایی، حل مسئله و تنظیم هیجان را در نوجوان تقویت می‌کند و نیاز او به کسب حمایت از مسیرهای ناسالم را کاهش می‌دهد.

اثر محافظتی گفت‌و شنود را می‌توان در پرتو نتایج ارلیچ و همکاران توضیح داد. آنان نشان دادند که تنظیم هیجان در رابطه میان تعارض والد-نوجوان و پیامدهای رفتاری نقش مهمی دارد (Ehrlich et al., 2021). در خانواده‌ای که نوجوان فرصت بیان و پردازش هیجان‌های خود را دارد، احتمال بیشتری وجود دارد که راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان را بیاموزد. در مقابل، سرکوب گفت‌وگو می‌تواند موجب انباشت خشم، اضطراب و ناکامی شود و نوجوان را به تخلیه هیجان از طریق رفتارهای تکانشی سوق دهد. همچنین، یافته اوزدمیر-بیشکین درباره نقش گرمی ادراک‌شده والدین نشان می‌دهد که تجربه محبت و پذیرش می‌تواند آثار منفی تعارض را کاهش دهد (Özdemir-Bişkin, 2024). گفت‌و شنود آزادانه یکی از مهم‌ترین نشانه‌های گرمی، پذیرش و دسترس‌پذیری عاطفی والدین است و می‌تواند احساس امنیت رابطه‌ای نوجوان را تقویت کند.

در مقابل، جهت‌گیری همنوایی اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر نشان داد. همنوایی زیاد در خانواده معمولاً با تأکید افراطی بر اطاعت، مشابهت نگرشی، پذیرش بی‌چون‌وچرای تصمیم‌های والدین و محدود کردن استقلال نوجوان همراه است. اگرچه هماهنگی ارزشی و رعایت قواعد خانوادگی می‌تواند در حد متعادل سازنده باشد، تأکید افراطی بر همنوایی ممکن است به کاهش احساس اختیار، پنهان‌کاری و مقاومت نوجوان منجر شود. نوجوان در این شرایط ممکن است ظاهراً از قواعد اطاعت کند، اما در خارج از نظارت خانواده رفتارهای پرخطر انجام دهد تا استقلال خود را اثبات کند. از سوی دیگر، فقدان فرصت برای بحث و مخالفت سازنده موجب می‌شود نوجوان مهارت تصمیم‌گیری مستقل و ارزیابی پیامدهای رفتار را به‌طور مطلوب کسب نکند.

این نتیجه با نظریه مثلث‌های عاطفی نیز قابل توضیح است. تیتلمن بیان می‌کند که در خانواده‌های دارای اضطراب بالا، اعضا ممکن است برای حفظ تعادل ظاهری، فشار زیادی برای سازگاری و همنوایی بر یکدیگر وارد کنند (Titelman, 2020). در چنین نظامی، اختلاف‌نظر نوجوان تهدیدی برای انسجام خانواده تلقی می‌شود و به‌جای مذاکره، با کنترل یا طرد پاسخ داده می‌شود. پیامد این وضعیت می‌تواند تشدید فاصله عاطفی و افزایش رفتارهای پنهانی باشد. مدل تلفیقی میلر و همکاران نیز تأکید می‌کند که رفتار پرخطر حاصل تعامل ویژگی‌های فردی با ساختارها و محدودیت‌های محیطی است (Miller et al., 2020). بنابراین، همنوایی اجباری می‌تواند به‌عنوان یک عامل محیطی، نیاز طبیعی نوجوان به استقلال و هویت‌یابی را با مانع مواجه کند و احتمال رفتارهای مقابله‌ای یا خطرجویانه را افزایش دهد.

نتیجه مهم دیگر این بود که تعارض والد-نوجوان اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر داشت. این یافته با نتایج مطالعات پیشین همخوان است. دی توماسو و همکاران در مطالعه‌ای بین‌فرهنگی نشان دادند که افزایش تعارض والد-نوجوان با افزایش رفتارهای پرخطر ارتباط دارد (Di Tommaso et al., 2019). لاینو و همکاران نیز در یک بررسی طولی تأیید کردند که تعارض خانوادگی می‌تواند رفتارهای پرخطر نوجوان را در گذر زمان پیش‌بینی کند (Laino et al., 2022). همچنین، لوئو و همکاران نشان دادند که تعارض والد-نوجوان با مصرف مواد ارتباط دارد، هرچند پیوند با مدرسه می‌تواند شدت این رابطه را تعدیل کند (Luo et al., 2019). همسویی یافته حاضر با این مطالعات نشان می‌دهد که تعارض مزمن و حل‌نشده یکی از عوامل خطر مهم برای سازگاری نوجوان است.

تعارض شدید می‌تواند صمیمیت و اعتماد میان نوجوان و والدین را کاهش دهد و در نتیجه، کارایی نظارت و حمایت والدین را تضعیف کند. هنگامی که نوجوان رابطه خود با والدین را خصمانه یا طردکننده ادراک می‌کند، احتمال کمتری دارد که مشکلات خود را با آنان در میان بگذارد یا توصیه‌هایشان را بپذیرد. در چنین شرایطی، گروه همسالان به منبع اصلی تعلق و تأیید تبدیل می‌شود و فشار همسالان می‌تواند تأثیر بیشتری بر تصمیم‌های نوجوان داشته باشد. مطالعه چن و همکاران نشان داد که تعارض والد-نوجوان با فشار تحصیلی و افسردگی نوجوان مرتبط است (Chen et al., 2020). بنابراین، بخشی از اثر تعارض بر رفتارهای پرخطر ممکن است از طریق افزایش فشار روان‌شناختی، خلق

منفی و کاهش توان مقابله‌ای منتقل شود. نوجوان ممکن است برای فرار از هیجان‌های ناخوشایند، به مصرف مواد، خشونت یا سایر رفتارهای مخاطره‌آمیز روی آورد.

یافته حاضر با الگوی سرریز نیز هماهنگ است. تیمونس و همکاران نشان دادند که تعارض بین‌والدی می‌تواند به روابط والد-نوجوان و سازگاری نوجوان سرایت کند (Timmons et al., 2021). مستروتئودوروس و همکاران نیز گزارش کردند که تعارض والد-نوجوان در سراسر دوره نوجوانی با سازگاری هیجانی ارتباط دارد و آثار آن ممکن است از یک حوزه رابطه‌ای به حوزه دیگر منتقل شود (Mastrotheodoros et al., 2021). از این دیدگاه، تعارض والد-نوجوان را نباید صرفاً مجموعه‌ای از اختلاف‌های روزمره دانست، بلکه شدت، تکرار، شیوه ابراز و امکان حل آن تعیین‌کننده پیامدهای روان‌شناختی است. اختلافی که با احترام، انعطاف و مذاکره مدیریت شود می‌تواند رشددهنده باشد، اما تعارض همراه با تحقیر، تهدید، طرد و کنترل افراطی، زمینه رفتارهای ناسازگارانه را فراهم می‌کند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی اثر منفی و معناداری بر رفتارهای پرخطر داشتند و در میان متغیرهای بررسی‌شده، یکی از قوی‌ترین ضرایب مستقیم را به خود اختصاص دادند. این یافته با نظریه خودتعیین‌گری همسو است که ارضای نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط را برای رشد سالم و خودتنظیمی ضروری می‌داند (Vansteenkiste et al., 2020). نوجوانی که احساس می‌کند در انتخاب‌هایش نقش دارد، در فعالیت‌های خود توانمند است و از روابط عاطفی امن برخوردار است، کمتر برای کسب هیجان، تأیید یا احساس قدرت به رفتارهای پرخطر متوسل می‌شود. در مقابل، ناکامی این نیازها می‌تواند به احساس بی‌اختیاری، بی‌کفایتی و انزوای اجتماعی منجر شود و رفتار پرخطر را به وسیله‌ای برای جبران این تجربه‌ها تبدیل کند.

این نتیجه با یافته بریتون و همکاران همخوان است که ارتباط میان ناکامی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خطر رفتارهای خودآسیب‌رسان را نشان دادند (Britton et al., 2014). همچنین، یعقوب‌زاده و همکاران در مدل ساختاری خود نشان دادند که نیازهای بنیادین روان‌شناختی با رفتارهای پرخطر ارتباط دارند و فرایندهای هیجانی می‌توانند در این رابطه نقش داشته باشند (Yaghoubzadeh et al., 2022). بر این اساس، ارضای نیازهای روان‌شناختی نه تنها موجب افزایش بهزیستی می‌شود، بلکه می‌تواند به عنوان سپری در برابر رفتارهای آسیب‌زا عمل کند. برای مثال، نوجوانی که نیاز به ارتباط او در خانواده برآورده نمی‌شود، ممکن است برای به دست آوردن تعلق به گروه‌های همسال پرخطر بپیوندد؛ نوجوانی که احساس شایستگی پایینی دارد ممکن است از طریق خشونت یا قانون‌گریزی در پی کسب قدرت باشد؛ و نوجوانی که خودمختاری او به شدت محدود شده است ممکن است رفتار پرخطر را شکلی از اعتراض یا اثبات استقلال تلقی کند.

تأیید نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر بود. نتایج نشان داد که بخشی از اثر کارکرد خانواده، جهت‌گیری گفت‌و شنود، جهت‌گیری همنوایی و تعارض والد-نوجوان بر رفتارهای پرخطر از طریق میزان ارضای نیازهای بنیادین منتقل می‌شود. به بیان دیگر، خانواده تنها از طریق کنترل مستقیم یا نظارت بر رفتار نوجوان اثر نمی‌گذارد، بلکه تجربه درونی او از خودمختاری، شایستگی و تعلق را شکل می‌دهد. کارکرد نامطلوب خانواده، همنوایی اجباری و تعارض مکرر می‌تواند این نیازها را ناکام گذارند و در نتیجه احتمال رفتارهای پرخطر را افزایش دهند. در مقابل، گفت‌و شنود سازنده می‌تواند احساس شنیده شدن، حق انتخاب، توانایی حل مسئله و تعلق به خانواده را تقویت کند و به صورت غیرمستقیم رفتارهای پرخطر را کاهش دهد.

این یافته ضرورت عبور از تبیین‌های صرفاً کنترلی رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. افزایش محدودیت یا نظارت، بدون توجه به کیفیت رابطه و نیازهای روان‌شناختی نوجوان، ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. در حالی که حمایت از خودمختاری به معنای حذف قواعد نیست، بلکه مستلزم توضیح منطقی قواعد، مشارکت دادن نوجوان در تصمیم‌ها و پذیرش دیدگاه اوست. به همین ترتیب، تقویت شایستگی مستلزم فراهم کردن فرصت موفقیت و ارائه بازخورد سازنده است و ارضای نیاز به ارتباط از طریق حضور عاطفی، پذیرش و حمایت والدین تحقق می‌یابد. یافته‌های اوزدمیر-بیشکین درباره نقش واسطه‌ای گرمی والدین نیز این تبیین را تقویت می‌کند، زیرا نشان می‌دهد کیفیت تجربه رابطه‌ای نوجوان می‌تواند آثار تعارض را بر رفتارهای مسئله‌ساز توضیح دهد (Özdemir-Bişkin, 2024).

در مجموع، تبیین ۵۰،۳ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر نشان می‌دهد که مدل پژوهش از قدرت توضیح‌دهندگی مطلوبی برخوردار است. این مقدار بیانگر آن است که خانواده و نیازهای روان‌شناختی، بخش مهمی از تفاوت‌های فردی در رفتارهای پرخطر نوجوانان عراقی را توضیح می‌دهند. با این حال، باقی‌ماندن بخشی از واریانس تبیین‌نشده نشان می‌دهد که عوامل دیگری مانند ویژگی‌های شخصیتی، تکانشگری، هیجان‌خواهی، فشار همسالان، پیوند با مدرسه، شرایط اقتصادی و دسترسی به مواد نیز می‌توانند در این رفتارها نقش داشته باشند. مدل مفهومی میلر و همکاران نیز بر همین ماهیت چندعاملی تأکید دارد و رفتارهای پرخطر را حاصل تعامل عوامل فردی و بافتی می‌داند (Miller et al., 2020). با وجود این، نتایج حاضر نشان می‌دهد که اصلاح روابط خانوادگی و حمایت از نیازهای بنیادین می‌تواند نقطه شروع مؤثری برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر باشد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود که باید در تفسیر یافته‌ها مورد توجه قرار گیرند. ماهیت مقطعی و همبستگی پژوهش امکان استنباط قطعی روابط علی و تعیین توالی زمانی میان متغیرها را محدود می‌کند. داده‌ها تنها از طریق پرسشنامه‌های خودگزارشی نوجوانان گردآوری شدند و ممکن است تحت تأثیر تمایل به ارائه پاسخ‌های مطلوب اجتماعی، خطای یادآوری، پنهان کردن رفتارهای حساس یا برداشت شخصی شرکت‌کنندگان از روابط خانوادگی قرار گرفته باشند. نمونه پژوهش به دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرهای تکریت و سامرا در استان صلاح‌الدین محدود بود؛ بنابراین، تعمیم نتایج به نوجوانان سایر استان‌های عراق، نوجوانان خارج از مدرسه و گروه‌های دارای زمینه‌های قومی، فرهنگی یا اقتصادی متفاوت باید با احتیاط انجام شود. همچنین، دیدگاه والدین، معلمان و مشاوران درباره کارکرد خانواده و رفتارهای نوجوانان بررسی نشد و برخی متغیرهای مؤثر مانند وضعیت اقتصادی خانواده، ساختار خانواده، فشار همسالان، دسترسی به مواد، سلامت روان والدین و ویژگی‌های شخصیتی نوجوان در مدل وارد نشدند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از طرح‌های طولی استفاده شود تا جهت روابط و تغییرات کارکرد خانواده، نیازهای روان‌شناختی و رفتارهای پرخطر در مراحل مختلف نوجوانی مشخص شود. اجرای مطالعات مداخله‌ای نیز می‌تواند اثربخشی آموزش ارتباط خانوادگی، حل تعارض و حمایت از خودمختاری را در کاهش رفتارهای پرخطر ارزیابی کند. بهتر است اطلاعات به‌صورت چندمنبعی و با استفاده از گزارش نوجوان، والدین، معلمان و مشاوران گردآوری شود و در کنار پرسشنامه‌ها از مصاحبه، مشاهده تعامل خانوادگی و شاخص‌های رفتاری بهره گرفته شود. بررسی مدل در استان‌ها، گروه‌های قومی و سطوح اقتصادی متفاوت عراق می‌تواند قابلیت تعمیم یافته‌ها را افزایش دهد. همچنین، پیشنهاد می‌شود نقش متغیرهایی مانند تنظیم هیجان، گرمی والدین، فشار همسالان، پیوند با مدرسه، تاب‌آوری، تکانشگری و حمایت اجتماعی به‌عنوان میانجی یا تعدیل‌گر بررسی شود و تفاوت‌های احتمالی مدل بر حسب جنسیت، سن، پایه تحصیلی و ساختار خانواده مورد آزمون قرار گیرد.

بر اساس نتایج پژوهش، طراحی برنامه‌های پیشگیری خانواده‌محور برای مدارس و مراکز مشاوره ضروری است. این برنامه‌ها می‌توانند والدین را با شیوه‌های گفت‌وگوی فعال، گوش‌دادن همدلانه، حل مسئله مشترک، تنظیم هیجان و مدیریت سازنده تعارض آشنا کنند. والدین باید به‌جای تأکید افراطی بر اطاعت و کنترل، نوجوانان را در تصمیم‌های متناسب با سن مشارکت دهند، برای قواعد خانوادگی دلایل روشن ارائه کنند و فرصت تجربه مسئولیت و موفقیت را فراهم سازند. مشاوران مدارس نیز می‌توانند نوجوانان دارای تعارض خانوادگی شدید یا نشانه‌های رفتار پرخطر را زودهنگام شناسایی و برای آنان خدمات مشاوره فردی و خانوادگی فراهم کنند. ایجاد فضای حمایتگر در مدرسه، تقویت احساس تعلق، آموزش مهارت‌های نه‌گفتن و تصمیم‌گیری و فراهم‌کردن فعالیت‌های ایمن برای تجربه شایستگی و استقلال نیز می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخطر مؤثر باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Adolescence is a critical developmental period characterized by rapid biological, cognitive, emotional, and social changes. During this stage, individuals increasingly seek autonomy, establish a more independent identity, expand their peer relationships, and become exposed to a wider range of social opportunities and pressures. Although these developmental changes are essential for maturation, they may also increase susceptibility to impulsive decision-making, sensation seeking, peer influence, and behaviors that threaten physical, psychological, or social well-being. Risky behaviors among adolescents may include substance use, smoking, alcohol consumption, violence, delinquent conduct, unsafe driving, and other actions associated with adverse health and developmental outcomes. Such behaviors are not merely isolated personal choices; rather, they emerge through complex interactions between individual characteristics and family, school, cultural, and social contexts (Miller et al., 2020).

Contemporary behavioral perspectives emphasize that actions are influenced by individuals' beliefs, perceived vulnerability, expectations regarding consequences, and judgments about their ability to control or avoid risk. Although Prater examined cybersecurity behavior rather than adolescent risk behavior, the study demonstrated the broader relevance of individual beliefs and perceived responsibility in shaping protective or risky conduct (Prater, 2024). Likewise, organizational and educational studies have indicated that behavior is strongly influenced by the surrounding relational and institutional context. Supportive leadership, shared values, and constructive interpersonal relationships can encourage adaptive behavior (Taghizadeh & Shokri, 2015), whereas structural barriers and restrictive social conditions may limit perceived agency and affect individuals' behavioral choices (Taghizadeh et al., 2012). These findings support the view that adolescent behavior should be interpreted within the environments in which it develops.

The family is the earliest and most enduring social context in which adolescents learn emotional regulation, communication, decision-making, responsibility, conflict management, and behavioral control. Family functioning refers to the family system's ability to solve problems, communicate effectively, define and distribute roles, respond emotionally, maintain appropriate affective involvement, regulate behavior, and preserve overall stability. When family functioning is adaptive, adolescents are more likely to experience emotional security, consistent supervision, clear expectations, and reliable support. Conversely, poor problem-solving, inconsistent behavioral control, emotional disengagement, ambiguous roles, and dysfunctional communication may increase vulnerability to risky behaviors. A systemic review reported that family functioning and adolescent differentiation are closely associated with risk behavior, suggesting that adolescents raised in disorganized or emotionally unstable family environments may be more likely to adopt maladaptive coping patterns (Williams & Chang, 2022).

Family systems theory provides an important framework for understanding these relationships. From this perspective, adolescent behavior cannot be fully explained as an isolated individual phenomenon because it reflects broader emotional processes and interactional patterns within the family. Kerr emphasized that chronic family anxiety, low differentiation, and emotional reactivity may impair the family's capacity to respond rationally to stress and may intensify maladaptive behavior among its members (Kerr, 2022). Similarly, Papero conceptualized the family as an integrated emotional system in which the reactions of one member influence the functioning of others (Papero, 2021). Titelman further explained that unresolved tension within family relationships may form emotional triangles, in which an adolescent becomes involved in parental tension or assumes the role of the identified problematic member (Titelman, 2020). From this systemic standpoint, adolescent risky behavior may represent not only an individual coping response but also an expression of unresolved family tension.

Family communication patterns are another central factor in adolescent adjustment. These patterns are generally examined through conversation orientation and conformity orientation. Conversation orientation refers to the extent to which family members are encouraged to express opinions, discuss feelings, question ideas, and participate in decision-making. Such communication may facilitate emotional disclosure, mutual understanding, problem-solving, and the development of self-regulation. In contrast, conformity orientation emphasizes obedience, similarity of attitudes, hierarchical authority, and adherence to parental decisions. Moderate conformity may help preserve shared values and family cohesion; however, excessive conformity may restrict psychological autonomy and prevent adolescents from expressing disagreement. In such contexts, adolescents may respond through secrecy, resistance, or risk-taking as a means of asserting independence.

The quality of family communication is closely connected to parent–adolescent conflict. Some disagreement is developmentally expected as adolescents seek greater independence and parents attempt to maintain guidance and supervision. Nevertheless, frequent, intense, hostile, or unresolved conflict can undermine trust, reduce emotional closeness, and weaken parental influence. Longitudinal evidence has shown that parent–adolescent conflict is related to academic stress and depressive symptoms, indicating that persistent relational tension can have enduring psychological consequences (Chen et al., 2020). Cross-cultural research has also demonstrated an association between parent–adolescent conflict and risky behaviors, while suggesting that cultural expectations concerning authority and autonomy may influence the strength and expression of this relationship (Di Tommaso et al., 2019).

Further longitudinal findings indicate that parent–adolescent conflict can predict later risk behavior rather than merely coexist with it (Laino et al., 2022). Emotional regulation may explain part of this association, because adolescents exposed to persistent conflict may have difficulty identifying, tolerating, and managing negative emotions and may consequently engage in impulsive or risky acts to escape distress (Ehrlich et al., 2021). Perceived parental warmth may also mediate the effect of conflict on problem behaviors, suggesting that adolescents' experience of acceptance and affection can buffer some of the harmful consequences of disagreement (Özdemir-Bişkin, 2024). In addition, the spillover model proposes that conflict in one family subsystem can affect other relationships. Interparental conflict may therefore influence parent–adolescent relationships and adolescent adjustment (Timmons et al., 2021), while conflict between parents and adolescents may spread across emotional and relational domains over time (Mastrotheodoros et al., 2021).

The relationship between family variables and risky behavior may also operate through adolescents' basic psychological needs. According to self-determination theory, autonomy, competence, and relatedness are fundamental requirements for healthy motivation and psychological adjustment. Autonomy refers to experiencing volition and meaningful choice, competence concerns the perception of effectiveness and capability, and relatedness reflects a sense of belonging and emotional connection. Satisfaction of these needs supports self-regulation and well-being, whereas their chronic frustration may result in helplessness, alienation, compensatory behavior, and maladjustment (Vansteenkiste et al., 2020). Families play a central role in satisfying these needs by allowing age-appropriate choice, recognizing adolescents' abilities, and providing emotional availability and acceptance.

When adolescents experience coercive control, chronic conflict, emotional rejection, or limited opportunities for independent expression, their basic psychological needs may be frustrated. Such frustration may encourage them to seek autonomy, belonging, status, or competence through risky peer groups and maladaptive behavior. Basic psychological need frustration has been associated with suicidal ideation and risk for suicidal behavior, illustrating its relevance to severe forms of health-threatening conduct (Britton et al., 2014). A structural study also found that basic psychological needs were related to risky behaviors and that emotional processes contributed to this association (Yaghoubzadeh et al., 2022). These findings suggest that psychological needs

may mediate the influence of family functioning, communication patterns, and parent–adolescent conflict on adolescent risk behavior.

School and social connectedness may additionally shape these relationships. For example, school connectedness has been found to moderate the association between parent–adolescent conflict and substance use, indicating that supportive external environments may partly protect adolescents exposed to family conflict (Luo et al., 2019). Nevertheless, external support may not fully compensate for persistent family dysfunction, particularly when emotional needs remain unmet. Accordingly, an integrated model incorporating family functioning, communication patterns, conflict, and basic psychological needs may provide a more comprehensive explanation of risky behaviors.

This issue has particular relevance in Iraq, where adolescents may experience social, economic, security-related, and family pressures. Risky driving, smoking, violence, alcohol use, and substance abuse have been reported among Iraqi adolescents (Haiman, 2016). Multiple health-risk behaviors have also been identified among school adolescents in the Kurdistan Region of Iraq, with socio-demographic factors contributing to their distribution (Qasem et al., 2019). Moreover, substance use among high school students in Erbil has been linked to family and environmental conditions (Al-Hyali et al., 2019). However, relatively few studies have simultaneously examined family functioning, conversation orientation, conformity orientation, parent–adolescent conflict, and basic psychological needs within a unified structural model among Iraqi adolescents. Therefore, the present study aimed to examine the predictive roles of family functioning, family communication patterns, and parent–adolescent conflict in risky behaviors among Iraqi adolescents, with basic psychological needs as a mediating variable.

Methods and Materials

The study used a cross-sectional descriptive-correlational design based on structural equation modeling. The statistical population consisted of all senior high school students in Salah al-Din Governorate, Iraq, during the 2025–2026 academic year. According to the available educational records, the governorate included 232 senior high schools serving more than 43000 students. A total of 300 students were selected through multistage cluster random sampling. First, Tikrit and Samarra were randomly selected from the cities of Salah al-Din Governorate. Next, 5 schools were selected from each city. Three classes were then selected from each school, and 10 students were recruited from each selected class. The final sample included students aged 16 to 19 years. Of the participants, 41 percent were boys and 59 percent were girls. In terms of grade level, 32 percent were in the tenth grade, 33 percent were in the eleventh grade, and 35 percent were in the twelfth grade.

Data were collected using standardized questionnaires assessing family functioning, family communication patterns, parent–adolescent conflict, basic psychological needs, and risky behaviors. Family functioning was assessed using the Family Assessment Device based on the McMaster model. The questionnaire included 60 items and measured problem-solving, communication, roles, affective responsiveness, affective involvement, behavioral control, and general family functioning. Higher scores represented poorer family functioning. Family communication patterns were examined through conversation orientation and conformity orientation. Parent–adolescent conflict was measured in terms of conflictual behaviors and relational tension. Basic psychological needs were assessed through the dimensions of autonomy, competence, and relatedness. Risky behavior scores represented the overall level of engagement in or tendency toward health-threatening and maladaptive behaviors.

The questionnaires were administered in the selected schools after coordination with school authorities. Before completion, participants received a brief explanation of the study purpose and response procedure. They were informed that participation was voluntary, responses would remain anonymous and confidential, and the data would be used solely for research purposes. The completed questionnaires were reviewed and entered into SPSS. Descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, and preliminary assumption tests were calculated

in SPSS, while the structural model was examined using AMOS. Normality was assessed with the Kolmogorov–Smirnov test, multivariate outliers were examined through Mahalanobis distance, multicollinearity was evaluated using tolerance and variance inflation factor indices, and error independence was assessed using the Durbin–Watson statistic. Direct, indirect, and total effects were estimated, and paths with critical ratio values greater than 1.96 were considered statistically significant.

Findings

The participants included 19 percent aged 16 years, 40 percent aged 17 years, 32 percent aged 18 years, and 9 percent aged 19 years. The mean score for family functioning was 143.70 with a standard deviation of 9.07. The mean scores for conversation orientation and conformity orientation were 43.33 and 23.12, respectively. The mean parent–adolescent conflict score was 9.91 with a standard deviation of 4.70. The mean scores for autonomy, competence, and relatedness were 17.16, 15.88, and 22.30, respectively. The mean risky behavior score was 145.35 with a standard deviation of 8.10.

The Kolmogorov–Smirnov results indicated that all variables were normally distributed, as all significance values exceeded 0.05. No significant multivariate outliers were identified. Tolerance and variance inflation factor values indicated no problematic multicollinearity. The Durbin–Watson statistic was 1.64, supporting the relative independence of errors.

Pearson correlation analysis showed that poorer family functioning was positively correlated with risky behaviors at 0.70. Conversation orientation was negatively correlated with risky behaviors at -0.62 , whereas conformity orientation was positively correlated with risky behaviors at 0.69. Parent–adolescent conflict had a strong positive correlation with risky behaviors at 0.72. Autonomy, competence, and relatedness were negatively associated with risky behaviors, with correlation coefficients of -0.53 , -0.59 , and -0.51 , respectively.

Structural equation modeling indicated that all major hypothesized paths were statistically significant. Poorer family functioning had a positive direct effect on risky behaviors, with a standardized coefficient of 0.343. Conversation orientation negatively predicted risky behaviors, with a coefficient of -0.256 . Conformity orientation positively predicted risky behaviors, with a coefficient of 0.267, while parent–adolescent conflict had a positive effect of 0.332. Basic psychological needs had the strongest direct negative effect on risky behaviors, with a coefficient of -0.498 .

The predictors also significantly affected basic psychological needs. Poorer family functioning negatively predicted basic psychological needs, with a standardized coefficient of -0.394 . Conversation orientation had a positive effect of 0.374, whereas conformity orientation and parent–adolescent conflict had negative effects of -0.286 and -0.397 , respectively. The indirect effects indicated that basic psychological needs mediated the relationships between the family variables and risky behaviors. The model explained 50.3 percent of the variance in risky behaviors and 33.1 percent of the variance in basic psychological needs.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that adolescent risky behavior is closely linked to both family relational processes and the satisfaction of basic psychological needs. Poorer family functioning was associated with higher risky behavior, suggesting that difficulties in problem-solving, emotional responsiveness, behavioral control, and family organization may reduce the family's protective capacity. Adolescents living in such environments may receive inconsistent guidance, limited emotional support, and inadequate supervision, which can increase vulnerability to peer pressure and maladaptive coping.

Conversation orientation emerged as a protective factor. Open communication may allow adolescents to disclose concerns, seek advice, discuss peer pressure, and process difficult emotions before these experiences develop into risky actions. It may also strengthen trust and help adolescents internalize family values through explanation rather than coercion. In contrast, conformity orientation was associated with increased risky

behavior. Excessive demands for obedience and attitudinal uniformity may frustrate adolescents' need for independence and encourage secrecy, resistance, or risk-taking as alternative means of asserting autonomy. Parent-adolescent conflict was another important predictor. Persistent conflict may weaken attachment, reduce parental influence, and create emotional distress. When adolescents perceive family relationships as hostile or rejecting, they may turn to peers for belonging or engage in risky behaviors to regulate negative emotions. The relatively strong association between conflict and risky behavior indicates that not only the existence of disagreement but also its frequency, intensity, and method of resolution are important.

Basic psychological needs had the strongest direct protective effect in the model. Adolescents who experience autonomy, competence, and relatedness may be better able to regulate behavior, resist peer pressure, and pursue adaptive goals. In contrast, adolescents who feel controlled, ineffective, or emotionally disconnected may use risky behavior to obtain a temporary sense of control, status, excitement, or group acceptance. The mediating effects further showed that family processes influenced risky behavior partly by shaping adolescents' internal psychological experiences.

The explanatory power of the model was substantial, as it accounted for more than half of the variance in risky behaviors. This finding indicates that family functioning, communication, conflict, and basic psychological needs represent central components of adolescent risk behavior in the Iraqi context. Nevertheless, the remaining unexplained variance suggests that other factors, including impulsivity, sensation seeking, mental health difficulties, peer norms, school connectedness, economic pressure, and access to substances, should also be considered.

Overall, the study concludes that risky behaviors among Iraqi adolescents are more likely when family functioning is poor, communication is conformity-oriented, parent-adolescent conflict is high, and basic psychological needs are frustrated. Conversely, open family conversation and satisfaction of autonomy, competence, and relatedness operate as protective factors. Prevention programs should therefore move beyond behavioral restriction alone and focus on improving family functioning, promoting constructive communication, reducing unresolved conflict, and creating family environments that support adolescents' psychological needs.

References

- Al-Hyali, N. A., Al-Jumaili, A. A., & Al-Sanjary, S. A. (2019). Substance Use among High School Students in Erbil City, Iraq: Prevalence and Potential Contributing Factors. *Eastern Mediterranean Health Journal*, 25(11), 790-798. <https://doi.org/10.26719/emhj.19.069>
- Britton, P. C., Van Orden, K. A., Hirsch, J. K., & Williams, G. C. (2014). Basic Psychological Needs, Suicidal Ideation, and Risk for Suicidal Behavior in Young Adults. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 44(4), 362-371. <https://doi.org/10.1111/sltb.12073>
- Chen, B., Yang, Y., & Chen, J. (2020). Parent-Adolescent Conflict, Academic Stress, and Adolescent Depression: A Longitudinal Study. *Journal of Family Psychology*, 34(7), 819-828.
- Di Tommaso, E., Gatti, P., & Belmonte, G. (2019). Parent-Adolescent Conflict and Its Association with Risky Behaviors: A Cross-Cultural Perspective. *Family Relations*, 68(4), 502-517. <https://doi.org/10.1111/fare.12384>
- Ehrlich, K. B., Luby, J. L., Seay, C. M., & Barch, D. M. (2021). Parent-Adolescent Conflict and Adolescent Behavioral Outcomes: The Mediating Role of Emotional Regulation. *Development and Psychopathology*, 33(2), 612-625. <https://doi.org/10.1017/S095457942000045X>
- Haiman, J. (2016). Risky Behaviors among Adolescents in Iraq: A Statistical Analysis of Driving, Smoking, Violence, Alcohol Consumption, and Drug Abuse. *Journal of Adolescent Health*, 58(3), 237-243.
- Kerr, M. E. (2022). *Bowen Theory's Secrets: Revealing the Hidden Life of Families* (2nd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003211113>
- Laino, T., Fanti, K. A., & Raine, A. (2022). Longitudinal Links between Parent-Adolescent Conflict and Adolescent Risk Behaviors. *Journal of youth and adolescence*, 51(3), 450-465. <https://doi.org/10.1007/s10964-021-01538-3>

- Luo, J., He, L., & Liu, Y. (2019). Parent-Adolescent Conflict and Adolescent Substance Use: The Moderating Role of School Connectedness. *Journal of affective disorders*, 250, 120-127. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.03.003>
- Mastrotheodoros, S., Van der Graaff, J., Deković, M., Meeus, W., & Branje, S. (2021). Parent-Adolescent Conflict across Adolescence: Spillover Effects on Emotional Adjustment. *Developmental Psychology*, 57(4), 567-580. <https://doi.org/10.1037/dev0001152>
- Miller, K., Johnson, J., Buxton, C., & Salerno, A. (2020). A Conceptual Model of Adolescent Risk Behavior: Integrating Individual and Contextual Factors. *Journal of Adolescent Research*, 35(5), 615-640. <https://doi.org/10.1177/0743558420913481>
- Özdemir-Bişkin, G. (2024). The Impact of Parent-Adolescent Conflict on Adolescent Problem Behaviors: The Mediating Role of Perceived Parental Warmth. *Current Psychology*, 43, 1102-1115. <https://doi.org/10.1007/s12144-023-04470-3>
- Papero, D. V. (2021). The Family Emotional System: An Integrative Concept for Theory, Science, and Practice. *Journal of marital and family therapy*, 47(2), 559-573. <https://doi.org/10.1111/jmft.12456>
- Prater, A. (2024). How Non-IT Employees' Beliefs Affect Cybersecurity Behavior. *Computers & Security*, 140, 103468. <https://doi.org/10.1016/j.cose.2024.103468>
- Qasem, A. O., Al-Hadithi, T. S., & Al-Tawil, N. G. (2019). Socio-Demographic Determinants of Multiple Health Risk Behaviors among School Adolescents in the Kurdistan Region of Iraq. *Indian Journal of Public Health Research & Development*, 10(10), 441-445. <https://doi.org/10.5958/0976-5506.2019.02934.3>
- Taghizadeh, H., & Shokri, A. (2015). Presenting a Practical Model for Reinforcing Spiritual Leadership in Educational Institutes: A Case Study. *International Education Studies*, 8(10), 126-136.
- Taghizadeh, H., Soltani, F. R., & Shokri, A. (2012). Identifying Barriers to Women's Promotion to Managerial Positions: A Case Study. 5(17), 33-50.
- Timmons, A. C., Han, S. C., & Margolin, G. (2021). Interparental Conflict and Adolescent Adjustment: Testing Spillover and Compensation Models. *Journal of Family Psychology*, 35(6), 793-803. <https://doi.org/10.1037/fam0000846>
- Titelman, P. (2020). *Triangles: Bowen Family Systems Theory Perspectives* (2nd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429492814>
- Vansteenkiste, M., Ryan, R. M., & Soenens, B. (2020). Basic Psychological Need Theory: Advancements, Critical Themes, and Future Directions. *Motivation and Emotion*, 44(1), 1-31. <https://doi.org/10.1007/s11031-019-09818-1>
- Williams, A., & Chang, J. (2022). Family Functioning, Adolescent Differentiation, and Risk Behavior: A Systemic Review. *Journal of Family Therapy*, 44(2), 261-280. <https://doi.org/10.1111/1467-6427.12371>
- Yaghoubzadeh, M., Sharifi, J., Kazemi, H., & Haghyegh, S. A. (2022). A Structural Model of Basic Psychological Needs and HEXACO Personality Traits in Relation to Risky Behaviors: The Mediating Role of Emotional Creativity among Islamic Azad University Students in Isfahan Province. *Social Health*, 9(2), 77-91.